



### خطابه

#### اگر دین در سراسر عالم گسترش نیابد، جای خالی آن را طاغوت می گیرد

بیانات آقای اخوت با موضوع جهاد، پنجشنبه ۱۹ مردادماه (قسمت هفتم)

رایاد می دهد. اینکه چگونه می شود یک موضوع را در کل قرآن جستجو و دسته بندی کرد؟ این روایت بسیار جالب است و حضرت حدود ۱۰ آیه را به صورت موضوعی به هم ملحق کرده اند و از آن یک تدبر موضوعی در آورده اند. مثل اینکه این آیات، کل قرآن بوده اند و کسی آنها را جمع آوری کرده است و از آنجایی که فرموده اند «يَعَثَّ اللَّهُ مُحَمَّدًا ص بِخَمْسَةِ أَسْيَافٍ» نشان می دهد منبع بیان این روایت، قرآن است، چون فرد از جنگ های امیرالمومنین علیه السلام سوال کرده است اما جواب در رابطه با پیامبر صلی الله علیه و آله داده شده است.

سَلِّهِ إِلَى غَيْرِنَا وَ حُكْمَهُ إِلَيْنَا فَأَمَّا السُّيُوفُ الثَّلَاثَةُ الشَّاهِرَةُ فَسَيِّفٌ عَلَى مُشْرِكِي الْعَرَبِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ - فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ أَحْضَرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا أَوْ آمَنُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَأَخِوانُكُمْ فِي الدِّينِ: یک نوع آن جنگ با مشرکین عرب است. این آیات بسیار سنگین است و نمی داند چطور می شود این آیات را تبیین کرد. یک پیامبری در زمانی ارسال شده است و عده ای به او ایمان آورده اند. اما عده ای ایمان نیاورده و او را قبول نکردند که دستور می آید «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ». البته منظور مشرکین عربی است که قصد براندازی دارند و اگر رها شوند، خروج می کنند و عهدشکن هستند. این آیات مربوط به سوره توبه است لذا باید در بسترش آنها را نگاه کرد و اگر این کار را نکنیم خیلی بد معنا می شوند. این مشرکین از هر موقعیتی برای ایجاد احزاب، جنگ، ترور و ناامنی استفاده می کنند و از هر سوراخی سر در می آورند و آدم می کشند. حتی اگر تعدادشان کم و در حد سه-چهار نفر باشند، مثل داعشی ها، یعنی آن ها علیه مردم و امنیت، جان بر کف هستند و کارشان این است که جامعه را ناامن کنند تا حکومت توحیدی برپا نشود. آیه گفته است اگر این افراد توبه کردند «فَأَخِوانُكُمْ فِي الدِّينِ»، یعنی همان حقوقی که شما در دین دارید این افراد هم دارند حتی ممکن است این افراد قبلاً آدم کشته باشند اما الان توبه کرده اند، پس شما باید آنها را به عنوان برادرانتان در دین بدانید.

هَؤُلَاءِ لَا يَقْبَلُ مِنْهُمْ إِلَّا الْقَتْلُ أَوْ الدَّخُولُ فِي الْإِسْلَامِ وَ أَمْوَالُهُمْ وَ ذُرَارِيُّهُمْ سَبَى عَلَى مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص فَإِنَّهُ سَبَى وَ عَقَا وَ قَبِلَ الْفِدَاءَ؛ یعنی این افراد دو حالت برایشان است. چرا که زیر بار جزیه نمی روند چون آنجا را سرزمین خودشان حساب می کنند و مثل یهودی ها نیستند که بشود از آنها مالیات گرفت. بنابراین یا باید آنها را از میان برداشت و یا سر جای خودشان بنشینند و داخل در دین شوند. داخل در دین شدن هم یعنی توطئه نکنند. اگر این کار را نکنید این افراد برای رسول الله صلی الله علیه و آله مزاحمت ایجاد می کنند. این قسمت اول روایت است که پنج بخش دیگر هم دارد. من قصد این بود که با این روایت به نکته مهمی اشاره کنم و آن هم اینکه اساساً اگر دین اسلام را نگاه کنیم، اعتقادش جهانی است و اعتقاد دارد بر اینکه دین باید در همه عالم گسترش پیدا کند. چرا نباید دین در همه عالم گسترش پیدا کند؟ چرا بقیه جاها نباید دین داشته باشند؟

#### روایت خوانی در باب جهاد: بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بر انجام پنج نوع جنگ

بحث ما در رابطه با جهاد بود و روایت هایی که در این حوزه بود را مطالعه کردیم. به روایت مفصلی رسیدیم که جهاد و دعوت إلى الله را با هم تفصیل داده بود و داعیان إلى الله تفکیک می شدند. نتیجه آن روایت این بود که ما بایستی در جهاد به هر نحوی که هست و چون حرکتی اجتماعی است، اذن داشته باشیم که این اذن ممکن است مستقیماً از ولی گرفته شود و یا به صورت ساختاری باشد. خیلی از دغدغه های ما را اذن ساختاری یا اذن از ولی، حل می کند. اساساً اذن دار بودن یکی از ارکان جهاد است. این جلسه می خواهیم روایتی<sup>۱</sup> که شبیه به همان روایت قبلی اما در بُعد دیگری است را عنوان کنیم و در هفته های بعد آن را توضیح بیشتری دهیم:

جَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيُّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ حُرُوبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ كَانَ السَّائِلُ مِنْ مُحِبِّينَا؛ امام صادق علیه السلام فرمودند فردی از پدرم سوال کرد که جنگ های امیرالمومنین علیه السلام چند دسته بوده اند؟ این سوال خیلی زیرکانه بوده است که جنگ ها را دسته بندی کرده و از انواع جنگ های امیرالمومنین سوال پرسیده است. این سوال توسط یکی از محبین اهل بیت علیهم السلام پرسیده شده است. گاهی بعضی سوال هایی که درباره امیرالمومنین علیه السلام پرسیده می شد، مخالفین حرف را می گرفتند و بعداً به ضرر یا علیه اهل بیت علیهم السلام، آن را خرج می کردند. قَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَعْثُ مُحَمَّدًا ص بِخَمْسَةِ أَسْيَافٍ؛ حضرت می فرمایند: پدرم به او فرمود که خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را به پنج جنگ مبعوث کرد. برای دسته بندی جنگها به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است که این نشان می دهد در زمان ایشان صلی الله علیه و آله این پنج نوع جنگ محقق شده است ولی ممکن است همه آن ها در زمان امیرالمومنین علیه السلام محقق نشده باشد. اسایف به معنی جنگ هایی است که در قرآن به آنها قتال گفته شده است که حتماً باید با شمشیر و زور باشند.

ثَلَاثَةٌ مِنْهَا شَاهِرَةٌ لَا تُغَمَدُ حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوَارِهَا وَ لَنْ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوَارِهَا حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا أَمِنَ النَّاسُ كُلُّهُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَ سَيَفُ مَكْفُوفٌ وَ سَيَفُ مِنْهَا مَغْمُودٌ؛ سه تا از آنها آشکار و به نوعی واجبند و مواردی است که اگر تا روز قیامت در هر جایی اتفاق بیافتد، واضح است که باید جنگ صورت بگیرد و دو تای دیگر واضح نیستند و متناسب با زمان و شرایط می باشند و ولی جامعه باید این دو را تشخیص دهد اما آن سه تای اولی حکم و اذن همگانی دارند.

این روایت خیلی طولانی است و در تدبر روایی جزو روایت های تدبری محسوب می شود. یک موضوع در کل قرآن بررسی شده و انواع قتال بیرون کشیده شده است. برای کسانی که در حوزه تدبر قرآن به قرآن می خواهند کار کنند، یک مدل روش شناسی

اولویت بندی است.

#### نکته دوم: توصیه به حاجیان امسال در مشاهده دشمنان در بلاد اسلامی

نکته بعدی در رابطه با دوستانی است که حج تشریف برده اند. حدود ۲۰ نفر از اعضای مدرسه قرآن، امسال حج رفته اند. از آنها التماس دعا داریم. مواردی که درباره جهاد و مصادیق آن گفته می شود، آنجا کاملا مشاهده می شود. چرا که می بینند یک سری دشمنان در خود بلاد اسلامی و محله های مربوط به مسلمانان حاکم اند و اگر جامعه دینی قدرت پیدا کند، واجب است که آنها را دفع کرده و از بین ببرد. که این موارد مربوط به مصلحت نظام توحیدی است که آیا آنقدر قدرت دارد یا خیر؟ و در اینجا احکام به توانمندی های مسلمانان وابسته می شود. ان شاء الله این دوستان با مصادیق جدیدی از دشمنان الهی مواجه می شوند و در این مواقع، ما مرز دوستانمان را بهتر تشخیص می دهیم. مثل این می ماند که وقتی انسان با آدم های سخت و قسی القلب مواجه می شود، حتی قدر آدم بدهای خودش را بیشتر می داند و دیگر آنها را دشمن حساب نمی کند! بلکه آنها را دوستانی می بیند که گاهی برایشان مشکلاتی ایجاد شده است. در این صورت قدر آدم های شهر و کشور خودش را می داند و می بیند که چقدر این افراد عزیز، قابل اعتناء و احترام و فراموش شده اند و می بیند که چقدر لازم است برای این افراد کار شود. بخشی از جهاد به احیای هویت دینی مردمی که جزو برادران و خواهران دینی ما هستند و بین ما فراموش شده اند، مربوط می شود. ان شاء الله این وجه از حج در آنجا احیا شود و این ۲۰ نفری که رفته اند با انرژی مضاعفی بیایند و برای بقیه دوستانشان رحمت، هدایت و نعمت الهی را جاری کنند.

#### نکته سوم: جبران عدم حضور در حج، با سرعت یافتن در فعالیت ها

نکته بعدی درباره افرادی است که اینجا هستند و دلشان آن جاست. آدم همیشه باید دلش پیش رسول خدا ﷺ و اهل بیت  باشد. گاهی احساس می شود که این توجه، به غم و غصه عظیمی که مانع حرکت انسان است، تبدیل می شود. هر جایی که غم و غصه ها مانع حرکت و شتاب انسان بود، آن ها غصه های دنیایی اند، ولو اینکه شکشان معنوی باشد. مثلا ممکن است کسی غصه دار شود که چرا در حج نیست؟ اگر این غصه تبدیل به حرکت و شتاب نشود، نوع غصه آن دنیایی است، ولو برای حج باشد. مواظب باشید که به بهانه های آخرتی دچار غصه های دنیایی نشوید، چون کسی بعدا این غصه ها را از شما قبول نمی کند! در واقع اینطور است که باید شتاب افرادی که تمنای حج را می کنند و غم و حسرت حج در آنها هست، سه چهار برابر شود. پس بسم الله... یعنی کلاس ها، دوره ها، مطالعات، کارگاه ها و برنامه هایی که دارند، باید بیشتر شود. برنامه ای که به نظر می رسد در این شتاب باید به طور جد پیگیری شود، برنامه ریزی برای ورودی های جدید دانشگاه است. مدارس تخصصی باید برای ورودی های جدید آمادگی داشته باشند و ساماندهی شوند و اگر بناسست کاری انجام شود باید از الان شروع کرد. یکی دو هفته دیگر که بگذرد و به شهریور برسیم، یکبار مهر می شود و نمی شود دیگر کاری کرد. آن موقع دیگر وقت ندارید که بروشور درست کنید و برای مدرسه تان ثبت نام انجام دهید. این کار به هماهنگی بین مدارس احتیاج دارد چون فضایمان محدود است. مدارس باید کلاس هایشان را در دانشکده ها تشکیل دهند که از الان لازم است کلاس ها را با دانشکده ها هماهنگ کنید. نمی شود بگویید ما می خواهیم همه کلاس هایمان را اینجا برگزار کنیم. من دارم داغ شما از حج را برای برنامه ریزی مهرماه تازه می کنم! باید جلسه گذاشته شود و کسی هم نباید منتظر باشد و بگوید از طرف مجمع مدارس ما را دعوت می کنند تا طرح هایمان را ارائه دهیم! اینطور نیست. اگر کسی دوست داشت، این کار را انجام دهد و هر کس دوست نداشت، انجام ندهد. نه جلسه ای گذاشته می شود و نه کسی از شما کار می خواهد. ما مدیریت مدرسه را اینطور قرار داده ایم که هر کس هر کاری دوست داشت، بکند. ولی اگر بنا شد مدرسه ای برای مهرماه کار کند، احتیاج به هماهنگی دارد و زمان آن هم مردادماه است و اگر از شهریور گذشت، به قول اصفهانی ها لباس نوبی بعد از عید را باید به منار مسجد آویزان کرد و دیگر فایده ای ندارد! خلاصه اینطور نشود که زمان بگذرد و بگویید ما چه کار کنیم؟! هر کسی فکر می کند که می خواهد کار کند، با آقای رضازاده و خانم منزوی که مسئول فعالیت های دانشگاهی اند، هماهنگ کرده

جای خالی بی دینی را طاغوت، مستکبر و هوی پرست پر می کند. اینطور نیست که مردم برای جای خالی بی دینی باهم توافق کرده و یک نظام فطری را حاکم کنند. نظام فطری در خلا بی دینی به انزوا می رود و ملاء و مُتَرَف<sup>۲</sup> جای آن را می گیرند. اینطور نیست که ما بگوییم به تعدادی دین اسلام را ارائه می دهیم و بعد هر که خودش خواست بیاورد و آن را بپذیرد. اگر دین به جاهای دیگر نرود جایش را طاغوت می گیرد. ممکن است بگویند چه دینی باید برود؟ منظور دین اسلام است که رسول الله (ص) در رأس آن است و دینی که ائمه هدی آن امامان شیعه اند. اگر ما به این قائل نباشیم، به نوعی از حاکمیت اهل تسنن قائل شده ایم و اگر به حاکمیت رسول الله (ص) و ائمه اثنی عشری  قائل نشویم، همان طاغوت اما به نام دین خواهد بود. دقیقا مثل جریانی است که بعد از رحلت پیامبر ﷺ اتفاق افتاد و حکومت به دست بنی امیه و بعد بنی عباس افتاد و خلفای اموی و عباسی یکی پس از دیگری حاکمیت کردند که کاملا حاکمیت جور بود و در این مقام، اهل بیت  کاملا جلوی جهاد را گرفتند. اینطور نبود که آن دینی که به واسطه بنی امیه و بنی عباس به دیگر جاها می رفت، حاکمیتی صحیح بوده باشد. حاکمیت دین، آنی است که توسط رسول خدا ﷺ و اهل بیت  اتفاق می افتد. در نوع دیگر جهاد هم که غیر واضحند، باید هویتشان اهل بیتی و شیعی باشند. منظور از شیعه خودمان نیستیم! شیعه همانی است که اهل بیتش امیرالمومنین ، در رأس آن حضرت زهرا ، متفکرش امام حسن  و علمدارش امام حسین  باشد و منظور از شیعه غیر از این نیست. تفکر جهادی باید در فکر و ذهن همه ما باشد، منتها با این قید که همه ما باید به دنبال اسلام واقعی، اسلام اهل بیتی و اسلام ناب برویم و آن را تبلیغ کنیم.

گاهی مجبوریم بین حکومت بنی امیه و سایر حکومت ها بینیم کدام ترجیح دارد؟ مثلا بینیم بین اسلام آمریکایی و خود آمریکا ترجیح مان کدام است؟ در تشخیص این امر نسبیتی وجود دارد. به همین دلیل بعد از رحلت پیامبر ﷺ، امیرالمومنین  مخالفتی نمی کنند و حتی در بعضی نبردها مشاوره می دهند و به این معنی نیست که انتخاب جنگ به مصلحت بوده است اما نفع حفظ اتحاد عمومی جامعه اسلامی خیلی مهم تر از تخریب آن است، ولو اینکه جریان فاسدی در آن باشد. اینکه بعضی از افراد اعتقاد دارند جمهوری اسلامی، نظامی است که از مسیر خود خارج شده است، پس باید کنار رود و حکومت غربی بیاورد، مدل فکری بدون نظام اولویت بندی است. مثل این است که بگوییم ما بدتر را به خاطر بد باید حاکم کنیم. حتی اگر طبق نظری، جمهوری اسلامی از مدار خود خارج شده باشد، مجوزی نیست تا دموکراسی غربی را به جای آن حاکم کنیم، چون اگر این جمهوری اسلامی بد است، آن یکی بدتر است. حفظ بد نسبت به بدتر واجب است. فرض کنیم کشوری می خواهد به جمهوری اسلامی حمله کند چون معتقد است حکومت آن از مدار خودش خارج شده و می خواهد خودش حکومت آن را به دست گیرد، معلوم است که دفاع در چنین شرایطی واجب است و شکی در آن نیست. چون اگر حکومت فعلی برود، بدتر از آن می آید و این جایز نیست. اما از طرف دیگر ترجیحی وجود ندارد که یک حکومت از مدار خارج شده، ترویج شود. به همین دلیل اهل بیت  در روایت هایی، جهاد ابتدایی در زمان غیبت را جایز نمی شمارند و تقریبا همه علما بر این امر اتفاق نظر دارند. مگر اینکه دستگاه مختصات دیگری مانند فتوای امام خمینی (ره) وجود داشته باشد که ولایت فقیه را معادل ولایت امام معصوم گرفته اند و چیزی که بر امام معصوم جایز است را برای ولی فقیه جایز دانستند. به هر حال مبنای حکم عده ای که جهاد ابتدایی را در زمان غیبت امام معصوم جایز نمی دانند، روایاتی است که جهاد را منوط به اذن امام معصوم و ولی کرده اند. دقت در این روایات چند نکته را به ما یاد می دهد:

#### نکته اول: لزوم شناسایی عرصه های جهاد و اولویت بندی

عرصه های جهاد متفاوت است و در هر زمانی فرق می کند و ما باید بتوانیم عرصه ها را بشناسیم. پس عرصه یابی کردن برای جهاد بسیار اهمیت پیدا می کند. به نظر می رسد یکی از اصول مهم و تاکتیکی در جهاد، انواع دشمنان و مبارزه با آنهاست و یکی از اصول راهبردی، اولویت بندی کردن در مبارزه با دشمنان است. چون توان افراد محدود است و یکی از وجوهی که لازم است جهاد با اذن ولی صورت بگیرد، همین نکته

طبق نظری که تشخیص داده شده است، نباید برای کلاس قرآن، پولی دریافت شود. حالا ممکن است بگویند از لحاظ شرعی مشکلی ندارد اما به بحث شرعی آن کاری نداریم، بلکه به دلیل بحث‌های پیرامونی دیگری است. به هر حال قصد ما این است که ان شاء الله انتشارات جان بگیرد و بتواند هزینه‌های مجموعه را تأمین کند. اگر الان از حالت دانشجویی بودن خارج شود، تا پنج سال دیگر، به این افق می‌رسد. افرادی که می‌خواهند در توزیع کتاب‌ها شرکت کنند، می‌توانند در کانال مدرسه تبلیغ<sup>۲</sup> عضو شوند و در جریان روند قرار بگیرند.

اینکه انتشارات در عرض چند سال با دست خالی حدود ۱۴۰ عنوان کتاب را منتشر کرده است، کارشان بسیار منظم است و هرکه سفارشی می‌دهد تقریباً همان روز به دستش می‌رسانند، محیرالعقول است. وضع تولید و ویراستاری مشخص است و برای هر کدام نظام معینی دارند و بسیار سامان دارد اما ایراد آن به خاطر چرخه‌نشدن و کامل نبودن زنجیره‌های آن است. برای اینکه زنجیره‌هایش کامل شود یا باید وارد زنجیره توزیع فعلی شود که مخاطبان مدرسه قرآن در زنجیره توزیع فعلی نیستند و اگر وارد این زنجیره شود قطعاً شکست می‌خورد و یا اینکه باید وارد زنجیره توزیع دانشجویی شود، که اگر این اتفاق بیافتد در عرض پنج سال، ۲۰ شعبه فروشگاهی متعلق به خود انتشارات خواهیم داشت. یعنی قدرت پیدا می‌کنیم که در شهرهای مختلف، فروشگاه انتشارات را داشته باشیم. البته ممکن است بگویند اینها خیال پردازی است اما به نظر من اگر برنامه‌ریزی صورت بگیرد این اتفاق می‌افتد. وقتی در شهرها شعبه داشته باشیم، یعنی محل ثبت نام کلاس هم داریم و در واقع یک شعبه مدرسه قرآن در آنجا داریم که این امر باید توسط خود جمع مدرسه قرآن اتفاق بیافتد. اگر تغییرات به دست خود افراد مدرسه اتفاق نیفتد، واسطه‌ها کار را خراب می‌کنند. یعنی حتی کسی که کتاب را می‌فروشد، باید مسلط به محتوا باشد. نمی‌خواهیم همین طوری کتاب بفروشیم بلکه باید به مخاطبان بگوییم مضمون این کتاب چیست و به درد چه کاری می‌خورد؟ چون کار ما که کتاب‌فروشی نیست! کار ما تبلیغ یک فکر و نظام فکری است. بنده می‌دانم هر کتاب مدرسه قرآن، در هر زمانی چقدر بازار دارد. تقریباً هیچ کتابی از مدرسه نیست که تا پنج سال دیگر تیراژ آن به چند هزار تا نرسد و همه کتاب‌ها مخاطب‌های خودشان را پیدا می‌کنند. خیلی مهم و جالب است که یک نظام فکری، تبدیل به کتاب می‌شود و می‌توانید آن را بفروشید. این‌ها به مجموعه قدرت می‌دهد که بتواند گسترش پیدا کند. طبق برآوردهای ما تا پنج سال آینده، حدود ۵۰۰ هزار نفر با مدرسه قرآن آشنا می‌شوند. این آمارها طبق مبنا، بیان می‌شوند. می‌توانیم یک شبکه انتقال مفهوم برای این ۵۰۰ هزار نفر جست و جو کنیم که خود این کار یعنی اقتصاد؛ چون یک بازار است. منتها باید از همین اول درست روی این بازار کار شود. یعنی نباید طمع برانگیز باشد بلکه بایستی محتوای مورد توجه و حتماً یک فکر تدبیری پشت آن باشد. پس اگر پولی مبادله می‌شود باید حتماً بر اساس آن، فرهنگ هم جابه‌جا شود و فکر هم انتقال پیدا کند. حدس بنده این است که اگر این کار صورت پذیرد، نه تنها مدرسه قرآن می‌تواند هزینه‌های خودش را بدهد، بلکه حتی می‌تواند بخش‌هایی از هزینه‌های مجموعه‌هایی که می‌خواهند فعالیت‌های قرآنی انجام دهند، را هم تأمین کند. به نظر بنده این ایده اگر اصولی جلو برود، شدنی است. قبلاً می‌گفتم اگر دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها تسخیر شوند، شما شهرستان‌ها را تسخیر خواهید کرد، که بعد از دو-سه سال، الان خود افراد خوابگاهی در شهرستان‌ها کلاس می‌گذارند و دیگر ما هم به آنها نمی‌گوییم. اینها ثمره کار کردن در خوابگاه‌هاست که یکی یکی مثل جوانه در شهرهای مختلف شکفته می‌شوند. همین‌ها بعداً می‌توانند به شعبه‌های انتشاراتی تبدیل شوند و در محیط‌های مختلف، کارهای مختلفی انجام دهند. یعنی اگر ما طبق این نظام عمل کنیم، در عرض مدت کوتاهی کل کشور تبدیل به یک شبکه ریل‌گذاری شده از افرادی می‌شود که از درون به کاری مایل هستند، نه اینکه به آنها گفته شده باشد و از بالا مدیریت شوند. به نظر من این شیوه بسیار خوب است. در یکی از گفتگوها با یکی از نهادهای رسمی، به آنها گفتم با این بودجه‌ای که خرج می‌کنید نهاد خودتان و اینجا را ببینید. مخاطب‌های آنجا و اینجا را هم ببینید. برایشان عدد و رقم درآورد و گفتم در جایی بنویسید فلانی در فلان تاریخ چنین عدد و رقمی را

و به آنها اعلام آمادگی کند. کلاس و دانشکده‌ای را که می‌خواهید در آن فعالیت کنید، باید از قبل مشخص کنید. این طرح، شعبه‌هایی از طرح جهاد کبیر در دانشگاه‌هاست و هر مدرسه‌ای که تمایل به مشارکت در این کار داشت، انگیزه و پتانسیل آن را در خود دید، دوست داشت که با دانشجویهای جدید ارتباط برقرار کند و احساس کرد باید دانشجو را از وقتی ورودی جدید است توجه کرد وگرنه اگر مدتی بگذرد و وارد دانشگاه شود، از بین می‌رود، آن را به مسئولان مربوطه اعلام کند. مسئولان طرح نباید دنبال مدرسه‌ها بروند. مدیرهای ساختارهای معیوب باید دنبال آدم‌ها بدونند. اما در ساختار درست، آدم‌ها باید طالب کار باشند و دنبال مدیران بدونند، وگرنه اصلاً مسئولیت‌پذیری اتفاق نمی‌افتد. کار را باید از خودمان بدانیم و مدیر را به عنوان هماهنگ‌کننده و نه آمر و ناهی، بشناسیم. اینکه می‌گوییم هر کسی دوست دارد این کار را انجام دهد یعنی حتماً این کار را بکنید ان شاء الله! فکر می‌کنم نهایتاً زمان مناسب برای این کار تا پایان مردادماه است و اگر از مردادماه به شهریورماه رسید، دیگر نمی‌شود برای آن برنامه‌ریزی کرد. چون ما به سی دی، بروشور، فرم، کتاب و هماهنگی با مساجد دانشگاه‌ها نیازمندیم که در زمان کوتاه امکان‌پذیر نیست. مثلاً اگر یک نامه برای شورای فرهنگی بزنید، چهار هفته‌ای دو ماه زمان می‌برد تا جواب دهند، چون سیستم اداری کند است.

**نکته چهارم: همکاری جمعی در ایجاد یک مدل اقتصاد مقاومتی با تولید و توزیع فرهنگی**  
نکته بعدی در رابطه با انتشارات است. انتشارات تا الان زحمات زیادی کشیده است و مرتباً هم درصدد اصلاح وضعیت چاپ و قوانین و مقررات است. برای تولید، توزیع و ویراستاری قوانین دارد و خلاصه اینکه کارش خیلی درست است! اخیراً مقررات جدیدی برای توزیع وضع کرده‌اند که همه دوستان مدرسه می‌توانند در فروش کتاب‌ها مشارکت کنند و درصدهایی هم برای فروشندگان لحاظ شده است. البته این تصمیم از جهت مادی کردن روند گرفته نشده است، بلکه می‌خواهیم ببینیم قوه اجرایی مدرسه در یک امر اقتصادی به چه صورت است تا کار نشر کتاب را به شکل اقتصاد مقاومتی درآوریم. یعنی اگر توزیعمان متناسب با تولیدمان باشد، می‌توان آن را به یک مدل اقتصاد مقاومتی تبدیل کرد، تا انتشارات کم کم مکان، امکانات و نیرو بگیرد و به یک انتشارات حسابی تبدیل شود. انتشارات فعلی ما، انتشارات دانشجویی است و به هر چیزی که استاندارد نباشد، دانشجویی می‌گویند! مثلاً انبار، ویراستاری، چاپ و کلا همه چیز آن دانشجویی است که ان شاء الله می‌خواهیم آن را از حالت دانشجویی به یک مدل اقتصاد مقاومتی تبدیل کنیم، به نوعی که بتواند در ازای خدمات فرهنگی، اقتصاد تعدادی از افراد را تأمین کند. ما برای اینکه به پیام مقام معظم رهبری لبیک بگوییم به ذهنمان رسیده است که اقتصاد مقاومتی را از راه اقتصاد تولید فرهنگی پیش ببریم. الحمدلله هر کلاس و بخشی از مدرسه تولیدات فراوانی دارد. چه اشکالی دارد این تولیدات به سی دی و کتاب تبدیل شوند؟ البته باید از حالت دانشجویی خارج شوند و لازمه این کار این است که توزیع آن، دیگر دانشجویی نباشد. وقتی همه به جد شروع به توزیع غیر دانشجویی کنند، درآمد وارد سیستم می‌شود و با وارد شدن درآمد، می‌توان مکان مناسب و نیرو گرفت و حقوق داد. ما الان به مؤلفان حقوق نمی‌دهیم، در حالی که باید به مؤلف کتاب درصدی تعلق بگیرد. اگر ما به مؤلفان کتاب پول نمی‌دهیم به خاطر معیوب بودن سیستم تولید، توزیع و نبود اقتصاد مقاومتی است، که باید اصلاح شود و اصلاح آن توسط همه اتفاق می‌افتد. در حال حاضر برای تولید هر کتابی به غیر از حق مؤلف، حدود یک تا دو میلیون تومان سود به دست می‌آید که حدود چهل کتاب - یعنی هشتاد میلیون تومان - در صف تولید داریم، بدون اینکه برگشتی به این چرخه وجود داشته باشد. طبق ارزیابی‌هایی که کرده‌ایم، انتشارات منبع خوبی برای درآمدزایی می‌شود. طرح کلی ما در حوزه انتشارات این است که بتواند منبع درآمد کلاس‌های قرآن شود و هزینه مربیان قرآن را بدهد. چون ما فعلاً تقریباً به هیچ معلمی برای کلاس‌های قرآن هزینه‌ای نمی‌دهیم، ممکن است بگویید تمام یازدهمی مدرسه به همین است که پولی نمی‌دهید و اگر پول می‌دادید، دیگر اخلاص نبود، اما به نظر من اینطور نیست و ما اگر می‌گوییم اقتصاد مقاومتی، باید بتوانیم پول در بیاوریم؛ آن هم نه بابت برگزاری کلاس‌ها، بلکه از طریق تولیدات فرهنگی. چون



## یادداشت ادبی

### فلاح موعود دیدار تو

برگرفته از سوره مبارکه شمس

#### مینارضاوند

برای دیدن تو باید چشم از آلودگی ها شست.  
برای دیدن تو باید دیدگانم با خوبی ها هم ستخ شود.  
برای دیدن تو باید از آلودگی ها تهی شد و از خوبی ها پر شد.  
آری! این مسیر فلاح موعود در دیدار توست.  
ای تجسم خالص نور و خوبی و پاکی

چشمانم را از تاریکی دیدن غیر تو خالی می کنم،  
تا وجودم خالی شود از تاریکی دیدار غیر تو،  
و بر گرد شمس وجودت می گردم،  
تا وجودم سرشار شود از نور حضور و دیدار تو،

و اینچنین است راه دویدن به سوی فلاح موعود؛ همان فلاح دیدار تو.

کار کند. تعداد این افراد خیلی زیاد و بیشتر از تعداد جمع حاضر است. هیچ وقت هم از زیادی و کثرت کار نگران نشوید. الحمدلله خداوند نیرو داده است و ان شاء الله که توفیق دهد، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

۱. اصول کافی، جلد ۵، صفحه ۱۰
۲. نخبگان دنیا طلب و مرفهین

[https://t.me/sahab\\_tabligh](https://t.me/sahab_tabligh)

گفت و از آنها خواستم پنج سال دیگر هم جرأت کنند و بیایند و آن نوشته را نشانم بدهند! چون داشتند مسیر اشتباهی را می رفتند که به آنها گفتم اینطوری بودجه را صرف نکنید. بودجه را باید به درستی و به جا خرج کرد. همین که به شما بودجه دادند که نباید آن را هر طوری خرج کرد!

#### نکته پنجم: مشارکت مدارس در برپایی بخش مجازی در هر مدرسه تخصصی

نکته آخر هم مربوط به مدرسه مجازی است که دوستان واقعا با چنگ و دندان آن را حفظ کرده اند. بارها و بارها از طرف نهادهای پشتیبانی کننده، کارشکنی شد و کار زمین خورد اما دوستان مسئول مقاومت کردند و الان به جایی رسیده است که مدرسه مجازی سر پا شده و به جای مطمئنی رسیده است که این به برکت تلاشی بود که انجام شد. طرح کلی مجازی این است که باید همه مدارس مجازی بشوند. یعنی مدرسه قرآن باید یک لایه درونی پیدا کند و هر مدرسه و هر کسی که کاری می کند، باید یک لایه مجازی هم داشته باشد. مثلا الان کلاس ختم مفهومی شنبه ها پخش زنده می شود و این یعنی مجازی شدن. کارهای دیگری هم می توان کرد. این کارها باید فایده داشته باشند، بعدا به کلاس تبدیل شوند و یک سیستم طراحی شود. رویه حضوری باید مثلا برای صد تا سیصد نفر باشد و لایه درونی، سه هزار، ده هزار یا صد هزار نفر مجازی داشته باشد. با مجازی خیلی کارها می شود کرد و وسعت آن بسیار زیاد است. مثلا می توانیم مخاطب بین المللی داشته باشیم. الان فقط طرح موضوع شد و ان شاء الله برای جلسه بعد می خواهیم بحث مجازی را مطرح کنیم. مدارس تخصصی را یکی عنوان کرده و می گوئیم که هر یک چطور می توانند مجازی شوند. الان وقت آن است که یک هجوم به سمت مجازی داشته باشیم. بعضی دوستان می توانند برای آموزش نرم افزارهای لازم و ساده کمک کنند. ما کار را سبک شروع می کنیم و کاری می کنیم که شما همین طور که در کلاس حرف می زنید، تبدیل به مجازی شوید و بعد وارد کار پیچیده مجازی می شویم.

نکته مهم اینکه نیروهایی که در اطراف ما هستند، تشنه آن اند که کاری به آنها بسپاریم. باید از این نیروها استفاده کرد، می گوئیم همه کارها را شما باید بکنید. مدرسه باید حرکتش را به سمت فعال سازی اعضا در دهک های پایین تر انتقال دهد و آنها را وارد

## از دفتر خاطرات یک مجاهد

### نامه ای به خواهران راهی حج

فاطمه صادقی قهرودے

هنوز ماه ذی الحجه نیامده است اما شما برای ما ذی الحجه را شروع کردید.

چقدر دلمان می خواهد با شما باشیم. چقدر دلمان می خواهد در قدمگاه پیامبر (ص) قدم بزنیم. دلمان عطر و بوی خانه حضرت فاطمه (س) را می خواهد. آن جایی که بارقه ای از عطرش را در کلاس های قرآن شنیده ایم. ما خواهر شما هستیم، چه بخواهید یا نخواهید! خودمان را روی شما بلوتوث می کنیم! و با شما به حج می آییم. ما خواهر شما هستیم و ما با هم هم فکر و هم عقیده و هم پیمانیم... بر سر مهجور ماندن قرآن و بر سر تلاش برای تحقق زندگی قرآنی در عالم... چه بخواهید یا نخواهید، ما با شما ایم.

یادتان باشد به جای ما زیارت قبور را در بقیع بخوانید

و از کریم اهل بیت (ع) در کارهایمان مدد بگیرید. یادتان باشد در حرم پیامبر (ص) به جای ما قدم بزنید و نفس بکشید و مصداق «فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ»<sup>۱</sup> باشید. یادتان باشد به مسجد شیعیان که رفتید، سلام مخصوص ما را به فرزند شیخ عمری برسانید و بگوئید ما در قیامی که زمانش نزدیک است، با آنها هستیم. یادتان باشد وقتی احرام بستید، تمام عیبهای ما را هم پاک کنید. قرآن که خواندید، به کعبه که نگاه کردید و طواف که کردید، در همه اعمال، خواهرانتان منتظر ریح طیبه هستند یادتان باشد وقوف در عرفات شما را به یاد عهدهایمان در وقوف در سوره ها بیاندازد.

تعلقاتم را در چمدانتان می گذارم تا در عید قربان همه را برابم سر ببرید. چمدانتان خیلی سبک تر است وقتی می آید تا دوباره با هم عهد ببندیم. امام زمان (عج) ما و شما را می بیند و او، شاهد بر این عهد و پیمان اخوت است. او در صحرای عرفات شاهد بر پیام ملائکه است؛ «سلام هی حتی مطلع الفجر»... خواهرانم! دعا کنید که پرده های غفلت از چشمان ما کنار برود تا او (عج) را ببینیم، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد...

۱. سوره مطفین، آیه ۳۶: ﴿خَتَمَهُ مَسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾؛ شرای که مهر و مومش مشک است و شایسته است که مردم نسبت به چنین زندگی مسابقه بگذارند.

صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت

زیر نظر | هیأت سردبیر

مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعتمدار

هیأت تحریری | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)

کانال اطلاع رسانی

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت

@QuranEtratSchool

